

# گزارش تحسن سه روزه گوتنبرگ - سوئد

در دفاع از جنبش عظیم زن-زندگی-آزادی و مبارزات مردم سراسر ایران!



گزارشگر: امیرجوهری لنگرودی

دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳

همایشی سه روزه (تحسن) با نصب چادر طی روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه در شهر گوتنبرگ (سوئد) برگزار شد. اوج تجلی خود را در سومین روز، سه شنبه ۱۷ ژانویه، با پایان بردن تحسن در فضای به غایت سرد و بارانی میدان برنس پارک به نمایش گذاشت...

یکشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳، اولین روز از سه روز تحسن فراخوان داده شده از جانب «کانون همبستگی با مبارزات جنبش انقلابی ایران - گوتنبرگ (سوئد)» با موفقیت پیش رفت. آنروز سازه‌های گوتنبرگ با ما خوش نبود. طوفانی از راه رسید که مردم نگرانی به هوا بردن چادر نصب شده در محل را برای سازمان دهندگان تحسن بدنبال داشت و همه توش و توان ما را از ابتدای نصب چادر در میدان را به خود به همراه داشت...

اگر هوا با ما ساز نبود، ساز دل همام کُوک بودویگانگی، همدلی و همسانی رنگارنگی آدم‌های جمع شده در میدان را در کنار یکدیگر با حجمی از مهربانی و یکدلی به همراه داشت

از باد و طوفان که گذر کردیم، رگبار و باران از راه رسید، در چشم بهم زدن

نشان های فراهم آمده در پیرامون چادر و در محوطه میدان برنس پارکن که حاصل تلاش جمعی مان بود - تابلوها - عکس های نمایشی- پلاکارها و بانرول های تبلیغی رابه درون چادر جای دادیم...

با صراحت و قاطعیت می توان بگویم: آنچه در همایش روز شنبه در میدان برنس پارکن در راستای پاسخگویی به دعوت « کانون همبستگی .....» و منشور آن که بر پایه تحرک فراگروهی و فراسازمانی، جامعه ایرانی را مخاطب قرار داد که در کنار هم باشیم؛ تا بتوانیم به شکل توأمان، مبارزات مردمان ایران در سراسر کشور، را مورد پشتیبانی و مدافعه خود قرار دهیم ، اینگونه با استقبال روبرو گردد.

کانونی که با احترام به همه احزاب و سازمان های انقلابی و مخالف کلیت نظام اسلامی، حضور آنان را در حمایت و پشتیبانی از اقدام خویش مخاطب قرار میدهد تا نیروی چپ و تحول طلب جامعه بتواند نقش خود را در برابر مخالفان و دشمنان طبقاتی شان که کوس رسوایی آنان در همصدایی با مرتجع ترین نیروی مادون تاریخ همنوایی می نماید، بتواند متحدانه و در همبستگی و پیوستگی با جامعه میزبان، از خواستگاه عمومی مبارزات مردم ما حمایت نمایند و اعدام های اخیر را به قوی ترین شکل محکوم سازند . خواست آزادی زندانیان سیاسی را بر زبان رانند و همه احکام صادره برای زندانیان زن- دانشجویان - کارگران - معلمان - بازنشستگان - پرستاران - نویسندگان - سینماگران - ورزشکاران ، وکلا را قویا محکوم نمایند و خواست بی قید و شرط آزادی بازداشت شدگان انقلاب نوین «زن- زندگی- آزادی» اداره شورایی را با صدای بلند خواستار گردند.



تحصنی که با فراخوان: «کانون همبستگی با مبارزات جنبش انقلابی ایران- گوتنبرگ /سوئد» برای پشتیبانی از جنبش «زن- زندگی- آزادی» در سراسر ایران و محکوم کردن جنایات صورت گرفته در تمامی سال‌های حاکمیت سیاه اسلامی ایران! به مدت سه روز ادامه داشت.

اجتماع کنندگان در تحصن سه روزه؛ خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، آزادی فوری همه بازداشت شدگان ماه‌های اخیر در ایران شدند؛ از منظر اجتماع کنندگان در چادر تحصن، اعدام قتل عمد حکومتی است، ما خواستار اقدام فوری علیه اعدام‌ها و متوقف کردن و لغو مجازات اعدام در ایران طی سه روز فریاد زدیم!



ظهرسه شنبه که چادر را برپا کردیم، باران شلاقی از راه رسید. تنها توانستیم باندرول‌های پارچه‌ای را برپا داریم. اصلاً این همه نیرو چگونه خود را رساند، تظاهر مادی و جمعی این همه رنگارنگی آدم‌ها در فهم مسئله، اینگونه نشان داده می‌شد که فرماندهی‌ای از بالا در کار نبود. توگویی همه خود را صاحب کار می‌شناختند. به عبارتی آنچه دیده شد، نشان داد؛ این حرکت دعوت کننده و دعوت شونده‌ای نداشت، همه صاحب خانه می‌نمودند!

به قول رفیقی با بیان صمیمی‌اش: ما با "تنی عریان" و "دستی خالی" بدون کمک از جایی، تنها به همت و پشتوانه‌ی جمعی مان دست به کار "هرکولی" زدیم و الان صاحب یک چادر اثاثیه و اموال هستیم.

از همان ظهرسه شنبه، با کم شدن باران، صحنه‌های زیبای رخداد برون و درون چادر، شگفتی می‌آفرید. دو تن از خانم‌ها، با دیگی فوق سنگین از سوپی گرم و به‌غایت خوش‌طعم، خود را به چادر رساندند و این دیگ‌ها، خیل وسیع سوپ

خورهای - سرما زده- را تا نزدیکی های جمع کردن چادر به سرو سوپ دعوت کردند.



مادر "مهوش" برای، تولد بیست سالگی دخترش "نیایش" با شادمانی و شیرینی تولد به درون چادر آمد... به محض قطع شدن باران در هوای بارانی سه شنبه، شعار سردادن هاو پخش بروشور های اطلاعاتی، به مضمون تحسن گره می خورد.

به یکباره با پخش موسیقی "بلاچاو" خانم "نیایش" با جمعی از دوستانش از راه رسیدند. همه را به درون چادر راهنمایی کردیم. "نیایش" این نزدیکی و همراهی و همسوئی رایگانه جشن تولد جمعی شان در دوران پناهندگی پنداشتند. حضور "نیایش" که برای دوستانش در میان دوستان چادر که آنان تجمعات دیگر شهر را تجربه کرده بودند، بیان یگانگی جمعی ما را تعبیر می کرد، دوستان جوانش موجب دریافت این تفاوت بر خورد شدند.



هیئت نمایندگی چادر در روزنامه یتبوری پستن در حال گفتگو

این همه‌ی کار روز سوم نبود؛ با توجه به پیشنهاد کار گروه تحسن در پیوند با هیئت هماهنگی و نظرخواهی و داوری حاضرین در چادر، برای روانه شدن هیئتی از چادر و عمدتاً با شرکت فعال خانم‌ها به جانب روزنامه‌ی «یتبوری پستن»، در اعتراض به عدم پاسخگویی آنان در برابر دعوت ما از آنان برای تهیه گزارش و انعکاس خبر تحسن، خود شور و شوقی دیگر آفرید.

هیئت با عکس‌های زندانیان سیاسی و طناب‌های اعدام که نشان اوج خشونت دولتی نظام اسلامی است، با پلاکادر «نه به اعدام» به شکل جمعی از چادر راهی روزنامه‌ی یتبوری پستن شدند... تا طی دیدار با مسئولین روزنامه، زبان حال ما گردند.

بعد از بازگشت، همه‌ی دوستان راضی و خشنود از این کار، طی گزارش خود، دیدار با دو تن از بخش خاورمیانه روزنامه را مثبت ارزیابی کردند. تلفن‌های رد و بدل شده بر آن بنا نهاده شد که ما بتوانیم طی نوشته‌ای فضای سیاسی ایران و چرایی تحسن و دفاع از مبارزات جنبش «زن، زندگی، آزادی» در ایران و فراز و فرودهای آن را به روزنامه برسانیم.



عکس از: حسین مهینی

با قطع شدن باران و گرد آمدن رفقای که بعد از پایان کار روزانه به چادر آمده بودند، تحصن فضای دیگر به خود گرفت؛ زنجیره‌ای انسانی دور چادر به حرکت درآمده و شعار می‌دادیم و صحنه‌ی گردآمدن جمعی و دست در دست هم و زنجیر انسانی ساختن؛ دور هم گشتن در نمای میدان برنس پارکن و سرود خوانی رفیق‌مان مجتبی پشت بلندگو: «یادمان باشد به گلگشت بهاران زنده داریم یاد یاران / ای رفیقان، ای رفیقان، ای رفیقان، ای رفیقان!» شو و شادمانی به جمع می‌بخشید.



عکس از: حسین مهینی

چه شادمانانه می‌نمود تماشای ترانه‌خوانی رفیق مجتبی به «یادمان گلگشت زنده داشتن نام یاران» به هنگامه‌ای که آنان در میان ما نیستند و اندوه آن پرشماران و یاران جوانی که در کوچه‌ها و خیابان‌های ایران هر روزه از دست می‌دهیم و نمایش چهره‌های نیست شده‌ی آنان جان آدمی را می‌آزارد؛ در این هنگامه خوانندگی، سوئدی‌های رهگذر مسحور موزیک و پایکوبی این صحنه بودند و مرتب با گوشه‌های‌شان عکس و فیلم می‌گرفتند.



عکس از: حسین مهینی

همه برگه‌های تبلیغاتی به زبان سوئدی ما تا تک برگ آخرش پخش گردید. هرچه به سوی پایان کار چادر پیش می‌رفتیم، احساس می‌کردیم دل‌ها به هم نزدیک‌تر شده و نقشه‌ی راه برای جمع کردن چادر در برابر ماست. خواهش کردیم قبل از جمع کردن چادر به برخی موارد مربوط به تحسن سه روزه توجه گردد.



عکس از: حسین مهینی

از جانب کار گروه تدارک تحسن سه روزه به اطلاع همگان رسید:

\*- چادر و شمعدانی و مجمع، امانتی حسن آقا به ما بوده. بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنیم.

\*- ماشینی که تمامی سه روز و شب در اختیار کانون برای جابجایی این حجم وسائل چادر و تحسن بود از آن رفیق جلال و نقشش در جابجایی این وسائل در تاریخ تحسن کم سابقه است. از رفیق سپاسگزاریم.

\*- نقش رفقا کریم نوری، رفیق شهلا و مهرزاد و رضا طالبی و مرکز آموزشی در تولید این حجم ماتریال تبلیغی، قابل قدردانی است.

\*- رفیق سلیمان قاسمیانی در ترجمه‌ی مطالب مربوط به تحسن، خاصه بیانیه‌ی مطبوعاتی، و دعوت از همه رسانه‌ی خبری و تصویری به تحسن سه روزه سهم جدی داشت. از ایشان سپاسگزاریم.

\*- رفیق کریم نوری در بازتاباندن حرکت تحسن رو به جامعه سوئد به دفعات بعد از کار در پای چادر بوده و صحبت داشته است و رفقای زیادی بروشورها و تراکت‌های تبلیغاتی را پخش می‌کردند؛ از همه آنان سپاسگزاریم.

\*- در روز اول تحسن، رفیق نیکی میرزایی، خود را به جمع چادر رساند و از سخنرانان جمع ما بود، از ایشان تشکر می‌کنیم.

\*- نقش رفقا هدایت، بهزاد سهرابی و حبیب و سیاوش و آذرنوش و رفقای زن نسیم و مهوش و دیگر رفقا در نصب روز اول چادر که سخت‌ترین مرحله‌ی کار بود، به‌غایت سازنده بوده است. سپاس از یکایک رفقا!

\*- رفقا هدایت، بهزاد سهرابی و توفیق و سیاوش در نصب چادر روزهای دوم و سوم، پر نقش بودند؛ سپاس فراوان از آنان داریم.

\*- نقش تابلونویس ما، رفیق عسکر در آفرینش این حد پلاکادر قابل تشکر است.





- \*- یکایک رفقای زن در رابطه با همت‌شان در نقش آفرینی وسایل چادر، چای، قهوه، سوپ، تولید انواع کاکا پر اهیت بود.
- \*- نقش رفقا کیارش جوان و سیوان و حسین مهینی در ثبت تصویری این سه روزپراهمیت می‌باشد، کیارش جوان کلیپ‌های فراهم آورده را به تلویزیون‌های ازما بهترین (ایران انترناسیونال، من وتو و فردا و...) فرستاد و هیچ بازخوردی نداشت. از یکایک رفقا تشکر داریم.
- \*- از رفیق مجتبی عزیز به خاطر خلق اثر هنری‌اش و ارائه آن در فضای تحسن و یاری‌های بی‌دریغ رفیق تشکر داریم.
- \*- از تلاش‌های رفیقانه عزیزمان توفیق درگرداندن قلمک و جمع آوری کمک‌های مالی برای یاری به هزینه‌های جاری تحسن و رفیق گلباخ مسئول مالی کانون، حسابی باید تشکر نمود.
- \*- بلندگوی روز دوم و سوم، امانتی رفیق عبدالله به ما برای ترمیم صدا شد که از حسن اعتمادش به ما کمال تشکر را داریم.
- \*- سرانجام گروه تدارک تحسن یعنی رفقا (هدایت، جلال، توفیق، امیر) از اعتمادی که رفقای هیئت هماهنگی کانون به ما کردند و تدارک این حرکت موفق را به ما سپردند، کمال تشکر را داریم. چنانچه این اعتمادها نبود، ما هم دلگرم نمی‌شدیم که هر شب جلسه فرا بخوانیم و بنشینیم و نقشه روزانه طرح کنیم. از همه‌ی شما و تلاش یکایک رفقا و همراهان سپاس‌مندیم!



با پایان این بخش از گزارش کار گروه تدارک تحسن سه روزه، جمع چهار نفرمان با همراهی حاضرین به جمع کردن چادر و جمع و جور کردن محوطه و گردآوری تمامی وسایل برای جابجایی آنان پرداختند... که با همدلی و همراهی و یکی شدن این همه عزیز برای جمع کردن چادر، در چشم برهم زدنی انجام شد. همه چیز با نمایش جمعی گردآوری گردید و در کنار ماشین حمل و نقل قرار گرفت. خداحافظی از همدیگر بعد از سه رو پیاپی تحسن سخت می‌نمود. بیگمان همگی ما نشانه‌های از همدلی، نزدیکی و کنار هم بودن طی این سال‌ها به دفعات تجربه کرده بودیم... ولی طی این سال‌ها که رفاقت‌ها ترک برداشته و بی اعتمادی‌ها نسبت به هم فزونی یافته بود، تدارک و انجام موفق تحسن سه روزه، آنرا در بین بخش وسیعی از ما فروخشانند. آنچه در حرکت روز سوم به مانند دو روز پیشین جلوه‌گری می‌نمود، این بود که طی این سه روز، گفت‌وگوهای یک نیرو و وجه غالب نداشت، بلکه یک این‌همانی و بالانسی بین همه نیروهای شرکت کننده گروهی و سازمانی و منفردین دیده می‌شد و هیچکس خود را صاحب حق نمی‌دانست، همه‌ی شرکت کنندگان حس می‌کردند که در برآیند کار به سهم خویش نقش دارند. همه و همه با خویشتنداری فزاینده‌ای و در چشم برهم زدنی به ردیف کردن کارها بر می‌آمدند. هر عزیزی ابتکار عمل خود را به طریقی به نمایش می‌گذاشت. در اساس فرماندهی‌ای در کار نبود و نوعی خود مدیریتی ابتکار آمیز در هر زمینه توسط شخص آفریننده‌اش، خود را به‌نمایش می‌گذاشت. حرکت سه روزه

بار دیگر نشان داد می‌توان با اتکاء به نیروی خود، دست به انجام کار زد. باید موانع را زدود و باید با خویشتنداری و اعتماد به هم، این راه را به جلو برد تا اعتمادهای سوخته را بار دیگر در سطح خانوادگی چپ شهر باز یابیم.



ما با همدلی گسترده و همراهی و هم‌پیمانی و همگرایی‌های عمق یافته می‌توانیم گرایش راست و خود برگزیده را به عقب رانیم و در کنار هم به بدل به نیروی پرتوان‌تر در امر دفاع از مبارزات مردم ایران و طبقه‌ی رنج و کار آن گردیم.

گزارشگر : امیرجواهری لنگرودی